

بازار نشر در دست ترجمه!

تبادل اندیشه نیاز طبیعی جامعه بشری است و بدون زبان ترجمه این امر میسر نخواهد شد، با توجه به این مهم شاید بشود گفت که ترجمه، درها و نگاه‌های جدید علمی را در زمینه‌های مختلف ادبی، علمی، فرهنگی، هنری و... و هر علم دیگری به هر جامعه وارد می‌کند. ترجمه طی ارتباطات فرهنگی از طریق متن یا گفتار در بین جوامع مختلف شکل گرفته و تأثیرات خاص و به‌سزایی در روند و کارکردهای اجتماعی خود در تمامی ابعاد مختلف فرهنگی جامعه به وجود می‌آورد.

این مهم در اثر تکرار می‌تواند ذائقه فرهنگی هر جامعه را به آرامی به سمتی تغییر دهد که ساختار و شاکله اصلی جامعه، این اتفاق را متوجه نشود، شاکله‌ای که سال‌ها برای رسیدن به موقعیت اکنون؛ بودن یا نبودن را در مسیر چگونه بودن تعریف کرده‌اند. این همان ماجرای است که اهداف و نشان شوالیه‌های فرهنگی دیگر کشورها با رویکردهای متنوع و جذاب برای تسخیر هویت هر جامعه از ناکجآباد در ذهن افراد کجآباد متبلور می‌کنند. اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می‌شود که بدانیم از مجرای همین ترجمه، بی هیچ جنگ و خونریزی و هزینه‌های کلان، آرام آرام اشغال فرهنگی هر جامعه‌ای ممکن خواهد شد.

از سوی دیگر نیز این موضوع اگر با درایت، نظارت کافی و فراخور نیاز هر قشر از جامعه، ترجمه آثار فاخر صورت پذیرد، ضمن کمک به رشد و اعتلای نشر و نویسندگان، می‌تواند هم‌افزایی مناسبی برای همپایی و تبادل تازه اندیشه‌ها در هر جامعه شکل بگیرد.

سأله‌است بازار نشر ترجمه گوی فرهنگی کشور را از مولفان و نویسندگان کشور ربوده است. نبود حق کپی رایت، کتاب سازی، ترجمه‌های نامناسب، نامفهوم، بی سر و ته، نارسا و غلط و بازنویسی ترجمه‌های پیشین، همه و همه از مواردی است که داد مترجمان حرفه‌ای را هم درآورده است.

ماجرای ترجمه تنها به دغدغه‌های مترجمان ختم نمی‌شود. روی دیگر سکه وقتی نمایان می‌شود که برخی از ناشران برای پایین آوردن هزینه سنگین تولید کتاب و سود بیشتر، خود پیشقراول ترجمه‌های نامناسب و نامفهوم و بی سرو ته از طریق بازنویسی ترجمه‌های پیشین می‌شوند.

این در حالی است که وزارت فرهنگ و ارشاد به جای این‌که از طریق بررسی‌های خبره بر این ماجرا نظارت داشته باشد تا اثری اصیل با معیارها و استانداردهای درست زبان و ادبیات فارسی منتشر شود، تنها سعی بر این دارد تا از نظر محتوایی کتاب را نظارت کند.

این اتفاق در بستر فضای نشر کتاب کودک که نیاز بیشتری به جذابیت‌های تصویرسازی، شکل و فرم کتاب در بخش چاپ دارد، به دفعات دیده می‌شود. تقویت و رشد اعتلای ادبیات کودک و نوجوان، حمایت از نویسندگان کودک و نوجوان برای تولید آثار فاخر، حمایت از تصویرگران برای خلق آثار بهتر و حمایت از چرخه صنعت چاپ از دیگر نتایج افزایش کتاب‌های تالیفی است.



داود یاراحمدی

کارشناس
اقتصاد هنر

الهام قاسمی

خبرنگار

مربع‌های قرمز کتابی است در حوزه دفاع مقدس و با محوریت زندگی «حسین یکتا» و مبتنی بر پژوهش‌های میدانی؛ این اثر با پرداختن به خاطرات شفاهی وی از دوران کودکی تا پایان دفاع مقدس، به فعالیت‌هایش همراه با بیان خاطراتی از ۷۰ شهید و ۸۰ رزمنده جنگ پرداخته است. این مجموعه خاطرات که به قلم زینب عرفانیان در ۱۴ پرده و ۵۴۱ صفحه نگاشته شده، تا کنون بارها توسط نشر شهید کاظمی روانه بازار شده است.

مربع‌های قرمز روایتی کاملاً مردانه با شخصیت‌های عمدتاً مردانه است. چه طور شد که به عنوان یک نویسنده زن سراغ چنین اثری رفتید؟

سراغم آمدند؛ البته بعد از مواجهه با فضای مردانه کار هم، همان عزمی که روز اول برای انجام کار داشتم را در خودم دیدم؛ عزمی زنانه برای روایت یک کار مردانه. جدا از این‌که خودم این کار را انتخاب نکردم ولی در کارهای مشابهی که قلم زنانه سراغ کار مردانه می‌رود با احترام برای قلم برصلاطت مردانه، قائل به این هستم که قلم پرظرافت زنانه جزئیات و پشت صحنه بیشتری را به نمایش می‌گذارد و دست مخاطب را گرفته و بین وقایع کتاب می‌گرداند و می‌خنداند و می‌گریاند. وقایعی که با قلم زنانه پرده از جزئیات آن برداشته شده است. پس نه تنها منعی نمی‌بینم برای روایت کار مردانه توسط قلم زنانه، بلکه معتقدم که گاهی تأثیر قلم زنانه برای یک روایت مردانه تأثیرگذارتر است.

این اثر، اولین کتاب شما درباره شهیدای دفاع مقدس است؛ چطور تصمیم گرفتید در این حوزه قلم بزنید؟

پس از پایان کار نگارش «رسول مولتان» سفر به شلمچه قسمتم شد. نیت نوشتن در حوزه دفاع مقدس دریکی از شب‌های آن سفر ایجاد شد. داستان



گفت‌وگو با زینب عرفانیان، نویسنده «مربع‌های قرمز»؛

قلم زنانه جزئیات بیشتری از جنگ را به تصویر می‌کشد



جاماندن راوی در دنیایی که بعد از شهادت رفقایش برایت تنگ شده و در آن غریبه است.

در حین تهیه مصاحبه و جمع‌آوری با چه چالش‌هایی مواجه بودید؟

شغل راوی که روایت‌گری بود و خاطراتی که بر اثر تکرار شاخ و برگ و رنگ و لعاب گرفته بودند و به عبارتی دست و پا درآورده بودند. خاطراتی که باید به واقعیت خود نزدیک می‌شدند با راستی‌آزمایی‌های مکرر. البته به جز این، سختی کار با فردی پرمشغله و پرسفر که البته حاج حسین یکتا انصافا تلاش و همکاری ستودنی با بنده برای انجام کار داشتند. از چالش‌های دیگر این کار و هر کار دیگری که قرار است در زمره تاریخ شفاهی قرار گیرد، مستندسازی روایت‌ها بود.

در مربع‌های قرمز بیشتر با کدام روایت یا زندگی‌نامه کدام شهید ارتباط برقرار کردید؟

شهید مهدی زین‌الدین به عنوان فرمانده تمام شهدای حاضر در کتاب. روایت محبوبیت فرمانده جوانی که کمتر از ۳۰ سال داشت. روایت فرماندهی که در خطر، همیشه یک قدم جلوتر از نیروهایش حرکت می‌کرد. روایت دلسوزی‌های او برای نیروهایش. روایت چشم‌های همیشه سرخ و بی‌خواب او. روایت لحظه شهادتش و خبر شهادتش که نیروهایش را یتیم کرد.

زندگی‌نامه شهید چگونه به دست‌تان می‌رسید؟
این اثر با توجه به تعداد بالای شهدایی که در خود دارد، ناگزیر به روایت برخی از آنها بود نه این‌که زندگی‌نامه هر کدام را آورده باشد. حال شهیدی با روایت مختصرتر و شهیدی با روایت جامع‌تر. برای رسیدن به روایت متقن از هر کدام سلاح مصاحبه‌کننده سؤال بود و همچنین تماس با دیگر شاهدان این وقایع. در چند مورد هم با خانواده شهدا تماس گرفتم و از زبان خواهر و برادر شهدا روایاتی دریافت کردم.

انتظار شما از دستگاه‌های فرهنگی در ترویج فرهنگ اثار و شهادت چیست؟

هر وقت خودم وظیفه‌ام را در این زمینه انجام دادم از دیگران انتظار و توقع خواهم داشت.

آشنا شدنم با حاج حسین یکتا، راوی کتاب مربع‌های قرمز هم در آن سفر اتفاق افتاد و سه‌الی چهار ماه بعد از سفر نیز مصاحبه‌ها با ایشان شروع شد و این‌گونه پایم به حوزه دفاع مقدس باز شد و توفیق نوشتن در این حوزه نصیبم گردید.

مهمترین نکته‌ای که مربع‌های قرمز با مخاطب در میان می‌گذارد، چیست؟

نکته مهم مربع‌های قرمز، سبک بندگی شهدا و رزمندگان است. این سبک بندگی باعث می‌شد زرق و برق‌های شهر و دنیای بیرون از جبهه برای شان رنگ ببازد. این سبک بندگی، سبک زندگی‌شان را ساخت. سبک زندگی‌ای که این روزها جای خالی‌اش بین ما خیلی پیدا است.

به عنوان یک نویسنده که برای اولین بار در حوزه دفاع مقدس قلم می‌زنید، تعریف شما از هشت سال دفاع مقدس چیست؟

جنگی بین‌المللی و تمام عیار علیه ایران که در کنار خسارات مادی و معنوی، منافع غیرقابل انکاری هم داشت. اولین آن رشد فرهنگ اثار و شهادت در جامعه است. جامعه‌ای که فرهنگ در آن جاری باشد به عقب برنمی‌گردد؛ فرهنگی درست برعکس فرهنگ فردگرایی که همه چیز برای من و به نفع من را فریاد می‌زند. فرهنگی که در نقطه مقابل فردگرایی فریاد می‌زند همه چیز من فدای دیگران. مال، آسایش و از همه مهمتر جانم فدای دیگران.

تلخ‌ترین روایت که در این اثر با آن مواجه شدید، چه بود؟

در این اثر بیش از صد روایت شهید نقش بازی کرده‌اند. شهدایی که هر کدام یک کتاب هستند. هر کدام عزیزکرده یک مادر هستند. هر کدام یک رفیق با معرفت هستند و از دست دادن هر کدام شان تلخ‌ترین اتفاق و نوشتن سخت‌ترین و تلخ‌ترین روایت است. مثل روایت آقا مهدی زین‌الدین، روایت شهادت جعفر احمدی میانجی و روایت شهادت محمد زلفی. و این همه، یک روایت تلخ مشترک در دل‌شان دارند، روایت حس تلخ